

محمد رضا قانون پرورد

منادیان قیامت

نقش اجتماعی - سیاسی ادبیات در ایران معاصر

ترجمه‌ی
میریم طرزی



فهرست مطالب

| | |
|-----|------------------------------|
| ۹ | سپاسگزاری |
| ۱۱ | یادداشت |
| ۱۳ | پیشگفتار |
| ۱۹ | ۱ انقلاب ادبی |
| ۵۳ | ۲ پیش‌بینی‌های ادبی |
| ۹۳ | ۳ مسئله‌ی تعهد |
| ۱۲۵ | ۴ تجربه در ران و نقش فرم |
| ۱۵۱ | ۵ آموزش‌گری یا واقع‌گریزی |
| ۱۷۱ | ۶ ابهام ادبی |
| ۲۰۱ | ۷ منادیان قیامت |
| ۲۲۳ | پی‌گفتار: وقایع‌نویسان قیامت |
| ۲۴۵ | کتاب‌نامه |
| ۲۵۹ | نمایه |

لهم اعذن بذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر
پس از حفظ و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر
ب رحمه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة
و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة
و عذر و مغفرة لذنبه و عذر و مغفرة

مشکل رسانیده از این درست نداشت بلکه از این درست نداشت بلکه از این درست
دست آورده از این درست نداشت بلکه از این درست نداشت بلکه از این درست
یادداشت

کتابی که پیش رو دارید ترجمه‌ی فارسی کاری است که بیش از سه دهه پیش به زبان انگلیسی نوشته شده و در آمریکا به چاپ رسیده است. البته پژوهشی که برای این نوشته انجام شد حتا به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. در آن زمان و در آغاز کار، قصد ارائه‌ی دورنمایی بود از ادبیات معاصر ایران و ارزیابی این ادبیات از نظر فرم، محتوا، ساختار و غیره، و نیز سیر تکاملی ادبیات سده‌ی میلادی گذشته از لحاظ گونه‌های ادبی مانند داستان کوتاه، رمان، شعر، و نمایشنامه. در عین حال و شاید مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، انگیزه‌ی اصلی این پژوهش بررسی درون‌مایه‌های آثار ادبی معاصر ایران از دیدگاه اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی بود. با وقوع انقلاب اسلامی در آخرین دهه‌های آن قرن و دگرگونی‌هایی که الزاماً بایستی در همه‌ی شئون جامعه و کشور به وجود می‌آمد، ناگزیر این تحولات می‌توانست و تأثیر به سزاوی در آثار هنری و به‌ویژه ادبیات فارسی داشته باشد. بسی‌تر دید پایان یک دوران سیاسی در تاریخ این سرزمین نشان‌گر پایان یک دوران مشخص در تاریخ ادبیات معاصر نیز بود. از این‌رو، با مرور و کنندگاوی هرچند کلی، حاصل آن پژوهش گزارش و تاریخچه‌ای شد از ادبیات آن دوران، یعنی سال‌هایی که طی آن ادبیات نوین در ایران با شعر نو، داستان کوتاه، رمان، و

نمایشنامه آغاز شد و سیر نسبتاً سریع تکاملی خود را پیمود. بدین لحاظ در هر فصل این کتاب در ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل گاه‌گاه مفصل‌تر برخی از اشعار و داستان‌ها از دیدگاه‌های گوناگون نقد ادبی، نگاهی به بیش‌تر آثار مهم آن دوران شده است، گرچه این بررسی نه می‌تواند جامع و کامل باشد و نه بدون کمبودها و اشتباهات.

در طی این سال‌ها که از زمان نشر این کتاب به زبان انگلیسی گذشته است، دوستان و دانشمندان بسیاری این کمبودها و نقص‌ها را یادآوری کرده‌اند و من خود نیز به برخی از آن‌ها پی برده‌ام و در مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر از جمله کتابی باعنوان در آینه‌ی ایرانی: تصویر غرب و غربی‌ها در داستان فارسی (که اتفاقاً دوبار به فارسی ترجمه شده و در ایران منتشر شده است) کوشش به جبران این کمبودها نموده‌ام. ولی آنچه مایه‌ی خرسندی نگارنده شده این است که کتاب مورد استفاده‌ی چند نسل از علاوه‌مندان به ایران و ادبیات غنی فارسی و به‌ویژه دانشجویان رشته‌های ایران‌شناسی و ادبیات فارسی و تطبیقی در آمریکا و دیگر کشورها بوده و مزید بر این اکنون با زحمات چندین ساله مترجمی فرهیخته ترجمه‌ی این کتاب به زبان فارسی در اختیار نسلی از دانشجویان و دانش‌پژوهان هم‌وطن قرار می‌گیرد.

در پایان باید اشاره کنم که گرچه در زمانی که ادبیات معاصر ایران در حال گذراز دوران طفولیت به سنین بلوغ نسبی بود و تا حد زیادی توجه نسل جوان‌تر و به خصوص دانشجویان را جلب کرده بود، این آثار به‌ندرت به دروس دانشگاهی در ایران راه می‌یافتد، ولی در چند دهه‌ی گذشته و به‌ویژه در کنار نوشه‌های ادبی اخیر، استادان ادبیات فارسی به جمع دانشجویان پیوسته و به بررسی و نقد علمی ادبیات نوین فارسی پرداخته‌اند. امید است با این کوشش‌ها شاهد کارهای بیش‌تری در شناسایی و شناساندن ارزش اجتماعی، فرهنگی و ادبی این آثار باشیم.

محمد رضا قانون پرور
دانشگاه تگزاس در آستن

پیش‌گفتار

گستره‌ی ادبیات عملاً همه‌ی وجوده‌ی تلاش انسانی را دربر می‌گیرد. با آن که ادبیات در ادوار مختلف و در شرایط گوناگون خواسته است رویکردهای خاص، شیوه‌های زبانی ویژه، و حدود و قیود سفت و سختی در فرم داشته باشد، دغدغه‌های ادبیات و هنرمند ادبی به‌ندرت از مسائل مرتبط با وضعیت محیط و زمانه‌ی نگارش آثار، جدا بوده است. این نکته به‌ویژه در مورد ادبیات نوین و نویسنده‌ی نوگرا صدق می‌کند. از سوی دیگر، نقد ادبی به مثابه مشغله‌ای مرموز گاهی خواسته است خود را به مسائل ذوقی محدود کند و در کندوکاو در ماهیت درونی «متن مقدس»، غالباً عوامل و نیروهای بیرونی را که بر آن متن‌ها اثر گذاشته و هنرمندان ادبی پدیدآورنده‌ی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به حساب نیاورده است. با این وصف، اگر قرار است نقد ادبی ارتباط‌اش را با تجربه‌ی بشری هم‌چنان حفظ کند، باید این فضای ستون اسرارآمیز را بسط دهد. به عبارت دیگر، متتقد ادبی باید صرفاً در حد یک محقق آزمایشگاهی باقی بماند. البته متن را نیز نمی‌توان کنار گذاشت. اما متتقد ادبی باید به فراسوی متن نظر داشته باشد و متن را در زمینه‌ی تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ای که اثر هنری در آن درک و دریافت شده است، قرار دهد.